



فعالان «اصلاح الیاء و «تغییر خط»

۴۶۳۸

در دوران معاصر

۴۶۸

کاظم استادی

۵۰۰

۱۰۰

سرشناسه :	استادی، کاظم، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور :	دانشنامه خط فارسی (۱۵ جلد) مؤلف کاظم استادی. شامل: ۱. درآمدی فلسفه خط، ۲. خط در ایران (۲، ۱)، ۳. سیر تحول خط عمومی، ۴. نویسه گردانی و متون، ۵. آینده جلدنویسی خط فارسی، ۶. تاریخچه تغییر خط، ۷. فعالان اصلاح الفبا و خط، ۸. اخوندزاده و تغییر خط، ۹. ملکم خان و تغییر خط، ۱۰. مکتب اسلام و تغییر خط، ۱۱. حکم فقهی تغییر خط، ۱۲. مجموعه مقالات ۱۳. درآمدی مجموعه مقالات، ۱۴. هولوکاست خط فارسی، ۱۵. کتابشناسی خط فارسی
مشخصات نشر :	قم: مؤلف، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری :	۶۰۰ ص (مجموع ۱۵ جلد).
شابک :	978-600-04-3323-9
وضعیت فهرست نویسی :	فبای مختصر
یادداشت :	فهرست نویسی کامل اثر در تشریح: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی :	۲۸۲۶۹۱۲

دانشنامه خط فارسی (۱۵ جلد)

اس کتاب: فعالان اصلاح الفبا و تغییر خط

مؤلف: کاظم مقدم

۱۵ - ۸ - ۳۷۲۶ - ۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۳۳۲۳

چاپ اول: ۱۳۹۱

تعداد صفحات: ۴۸ ص

تیراژ: ۵۰۰ جلد

لیتوگرافی: نویس

چاپ: سلمان فارسی

بخش: انتشارات برگزیده، تهران، خیابان ایرانشهر، نبش خنجرتری،

پلاک ۲۳۰، طبقه ششم شمالی - تلفن: ۵-۸۸۴۹۰۲۸۳

قم، خیابان شهداء، کوچه ۲۳، پلاک ۱۶ - تلفن: ۳۷۷۴۴۱۲۵

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف است.

قیمت دوره: ۳۵۰ هزار تومان

پیشگفتار (تیب شناسی موافقان تغییر خط فارسی) / ۹

فعالان تغییر خط. ۱

۲۰ / سالی مجلس مجموعه فنون /

۳۴ / ۵. یک بارب /

۲۸ / محمد طاهر /

۳۲ / فتح‌الملک اخوند /

۴۰ / ملک‌خان صفی /

۴۸ / یوسف خان مستشار /

۵۴ / احمد حسین زاده /

۶۸ / سعید انسی زاده /

۶۰ / رضا خان ارفع الدوله /

۶۲ / رضا خان افشار بکشلو /

۶۴ / لطفعلی تبریزی /

۶۸ / لطفعلی مجتهد دانش تبریزی /

۷۰ / حسین خان /

۷۲ / کاظم خان آلان براغوشی /

۷۴ / عبدالملک موبد بیدگلی کاشانی /

۷۶ / محمد آقا شاه تخت‌سکو /

۷۸ / ادیب الممالک فراهانی /

۸۰ / عبدالرحیم طالبوف /

۸۴ / اسماعیل حق بیگ میلانی /

۸۶ / علی محمد خان اویسی /

۹۲ / حسین کاظم زاده /

فعالان تغییر خط ۲.

۹۶	کمیته الفبا /
۱۰۰	غلامرضا رشید یاسمی /
۱۰۴	حسین جاهد /
۱۰۶	ابوالقاسم اعتصام زاده /
۱۱۰	ابراهیم پورداد /
۱۱۴	غازی مصطفی کمال پاشا /
۱۱۸	سعید یسی /
۱۲۰	چیره /
۱۲۲	حسن حلاج /
۱۲۴	لطیفعلی صورتگر /
۱۲۶	غلامحسین ابتهاج /
۱۲۸	حسین زنجانی /
۱۳۰	احمد امین /
۱۳۲	مصطفی افتخار /
۱۳۴	یدالله رفعت /
۱۳۶	علی دشتی /
۱۳۸	حسن تقی زاده /
۱۴۰	عذرا فریود /
۱۴۲	عبدالصمد فرهنگ /
۱۴۴	حبیب الممتین /
۱۴۶	عبدالله رازی /
۱۴۸	آقا نور حقیق صدرالمعالی خوانساری /
۱۵۰	حسن صاحب الزمانی /
۱۵۲	مصطفی فاتح /
۱۵۴	محمدعلی داعی الاسلام /
۱۵۶	جبرئیل اعلانی /

۱۷۰	موسی نثری /
۱۷۴	حسین رضاعی /
۱۷۶	احمد کسروی /
۱۸۲	محمود عمادی /
۱۸۴	ذبیح بهروز /
۱۸۸	اسماعیل آشتیانی /
۱۹۰	مید احمد بهمنیار /
۱۹۲	محمد آسیم /
۱۹۴	اب القاسم آقا میرزا /
۱۹۸	گروه طرفداران القباوی آسان /
۲۰۰	رضا صفی‌نیا /
۲۰۲	پرویز ناثل خانده /
۲۰۶	شمس‌الدین رشديه /
۲۱۰	جبار عسگرزاده /
۲۱۲	عبدالمعلی ارسطو /
۲۱۴	رحیم‌زاده صفوی /
۲۱۶	محمدتقی بهار /
۲۱۸	یحیی ذکا. /
۲۲۰	صادق هدایت /

فعالان تغییر خط. ۳

۲۲۴	اکبر خان یوسفی /
۲۲۶	یدالله ثمره /
۲۲۸	ابراهیم گرانفر /
۲۳۰	انجمن تغییر خط /
۲۴۰	نصرالله شیفته /
۲۴۲	مسعود رجب‌نیا /

۲۴۴	منوچهر امیری /
۲۴۶	یدالله رویایی /
۲۴۸	محمد علی جمال زاده /
۲۵۰	عبدالرسول خیام پور /
۲۵۲	هوشنگ اعلم /
۲۵۴	علی اکبر سیاسی /
۲۵۶	حبیب بنامایی /
۲۵۸	محمد پروین گنابادی /
۲۶۰	داریوش اسفندیاری /
۲۶۰	خسرو اکبر /
۲۶۲	مراد اورنگ /
۲۶۴	احمد کمال /
۲۶۶	محمد صادق کیا /
۲۶۸	جلال آل احمد /
۲۷۰	م. س. ی (احمد محمدی عراقی) /
۲۷۲	عبدالله رهنما /
۲۷۴	محمد جعفر محبوب /
۲۷۶	انجمن ترویج زبان فارسی /
۲۷۸	مظاهر مصفا /
۲۸۲	جعفر شعار /
۲۸۶	ابوالفضل مرعشی /
۲۸۸	محمود دهناد /
۲۹۰	رحمت مصطفوی /
۲۹۴	عبدالرحمن فرامرزی /
۲۹۶	ناصر ناطق /
۲۹۸	مسعود فرزاد /
۳۰۰	کاظم حسینی /

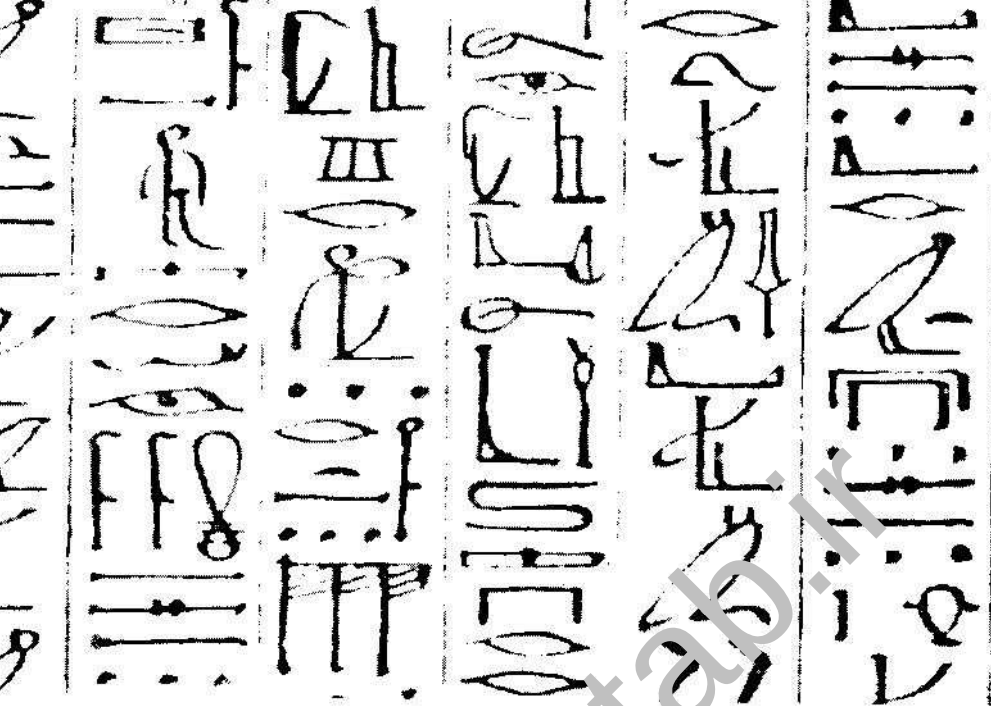
۳۰۲	محمد رضا باطنی /
۳۰۶	محمد مقدم /
۳۰۸	یحیی آرین پور /
۳۱۴	محمد کیوانپور مکرری /

۳۱۶	خلیل آذر /
۳۱۶	بهروز ابهری لاله /
۳۱۸	محمد استعلامی /
۳۲۰	سرو فرشیدورد /
۳۲۲	میر محمد /

فعالان تغییر خط

۳۲۶	مسعود خیام /
۳۲۸	مهمود رزائیان /
۳۳۰	شورای بازنگری در شیوه نگارش و خط فارسی /
۳۳۱	ابرج کابلی /
۳۳۶	چنگیز خدادادی /
۳۳۶	غلامحسین آذری مهر /
۳۳۸	مهران رجایی /
۳۴۰	ابوالحسن نجفی /
۳۴۴	کاظم استادی /
۳۵۲	داریوش مختاری /

۳۵۵	سخن پایانی /
۳۵۶	مجتبی مینوی /
۳۵۹	کتابشناسی اصلاح و تغییر خط فارسی /
۳۹۱	فهرست اعلام /
۴۴۶	فهرست مطالب بر اساس الفبا /



پیشگفتار:

اخیراً کتابی از بنده با نام «تاریخچه تغییر خط در ایران» منتشر شده است. لازم می‌نمود که اکنون، حداقل برخی از کسانی که در باره تغییر خط به کوشش برخاسته، چیزهایی نوشته و کتاب‌هایی پدید آورده‌اند، نام ببریم. بی‌شک، امکان، فشرده نوشته‌ها و پیشنهادها و اندیشه‌های آنان را درباره خط و الفبا بیاوریم.

بنابراین، نوشته حاضر، تلاش اندکی است در معرفی این تحول اصلاح خط. اما باید دانست که در اینجا، ما با دو گروه فعالان اصلاح خط روبرو خواهیم بود؛ نخست کسانی که با «اصلاح الفبا» و «تغییر خط» هم‌داستان بوده و این هم‌داستانی را با نوشتن گفتارها و کتابچه‌هایی باز نموده‌اند؛ و خود پیشنهاد خط نوی نکرده و کوششی در آن باره ننموده‌اند.

دیگر کسانی که تنها به هم‌داستانی نمودن، بس نکرده، خود گام فراتر نهاده، پیشنهادهایی کرده، الفباهایی پدید آورده و کوشش‌هایی در این باره با گفتن و نوشتن کرده‌اند. همین نوشتن‌ها و کوشش‌ها است، که تاریخچه دوست ساله‌ای برای این

جنبش بزرگ پدید آورده و نمونه‌های نیکی از دلسوزی‌ها و فداکاری‌های دانشوران کشورهای شرقی، به ویژه ایرانی را نشان می‌دهد.

پیرامون گروه دوم، کتاب مستقلی تحت عنوان: «خط‌های اختراعی» تنظیم شده است، که در آن نمونه کلیه خط‌های ابداعی معرفی و نقد و بررسی گشته، طالبین برای اطلاع بیشتر، می‌توانند به آن مراجعه فرمایند. اکنون شرح حال و معرفی آثار بیشتر فعالان اصلاح و تغییر خط، پیش روی شماست.

دوره اینک که چه کسی از ایرانیان نخست بار به این اندیشه افتاده و سخنانی گفته و نوشته است، گفتگوهای گوناگونی هست.

برخی با ستاد سبهای خود پنداشته‌اند که نخست کسی که درباره کمی‌ها و آکهای الفبا و خط، ریبی بحث گفته و رساله‌هایی نوشته میرزا فتحعلی آخوندزاده خامنه‌ای بوده است، اما صریحاً آن است که اولین فعالیت تغییر خط در دو قرن اخیر را، پس از برخی از اعضای انجمن دانش عثمانی، به مسیو هنریک بارب، ناظر مدرسه السنه شریفه وین، نسبت دهیم.^۱

کتاب حاضر، تکمیل شده نخستین دوم کتاب «در پیرامون تغییر خط فارسی»^۲ جناب آقای یحیی ذکاء می‌باشد؛ که آن نیز مکمل مقاله‌ای از جناب آقای سید رضا صفی‌نیا^۳ می‌باشد.

بدون تردید عده‌ای از افراد فعال در تغییر خط (در گذشته و حال)، در کتاب حاضر، جا مانده‌اند. امید است دنباله این کوشش و تکمیل این کتاب، توسط آیندگان و فرزندان ایران، صورت پذیرد.

۱. ر.ک. به تاریخچه تغییر خط در ایران، کاظم استادی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجلی، ۱۳۹۱.
۲. در پیرامون تغییر خط فارسی / ذکاء، یحیی / چاپخانه‌نقش جهان / ۱۵۱ / تهران / ۱۳۲۹. که در آن از کتاب «راه پیشرفت» مصطفی فائز، سود جسته است. بخش سوم این کتاب شامل حدود ۱۲۰ صفحه می‌باشد که به معرفی فعالان و نیز نمونه خطوط اختراعی آنها پرداخته شده است. از این بخش حدود ۷۰ صفحه در کتاب حاضر استفاده شده است. همچنین کتاب دیگری با این عنوان، کوشش‌هایی که در پیرامون اصلاح و تغییر خط در خارج از ایران شده است / ذکاء، یحیی / بی‌نا / تهران / ۱۳۲۹ در کتابشناسی‌ها فهرست شده، که احتمالاً اشتباه باشد؛ چون این عنوان همان چهارمین گفتار از کتاب در «پیرامون تغییر خط فارسی» می‌باشد.

۳. الفبای نو، راه نو؛ ۳ / ۱۲ / تهران / ۱۳۲۴.

عناوین این کتاب حتی الامکان به ترتیب تاریخی تنظیم شده است. و شرح حال مختصری از این فعالین در انتهای هر مطلب درج شده است. تذکر مهم اینکه؛ به دلایل فنی، چون می‌بایست عنوان‌ها اشخاص، در صفحه فرد جاسازی شوند، بنابراین نمونه خط‌ها، به صورت تزیینی در برخی صفحات گنجانده شده است. و الزاماً مربوط به همان صفحه نیست. در پایان، مطلبی قلمی کردم، که به تیپ شناسی فعالان تغییر خط پرداخته است.

تیپ شناسی موافقان تغییر خط فارسی

(از ۱۲۳۶ تا ۱۳۳۶)

حدود صد سال پس از آن که چاپ، سربى از طریق اروپا به استانبول رسید، موضوع تغییر خط و بحث پیرامون آن در ترکیه رواج پیدا کرد. به واسطه ایرانیان ساکن در ترکیه و قفقاز این بحث به خط فارسی نیز سرایت کرد و به مرور زمان قوت گرفت.

بحث تغییر خط همزمان با رواج چاپ سربى رخ داده است که شاید اگر علت این ایده را هم در ترکیه و ایران و دیگر کشورهای منصفه، صحت چاپ بدانیم، بی‌راه نیست.

بحث تغییر خط فارسی در سه دوره زمانی (حدود ۱۲۰ سال، ... دیگر را لایوشانی می‌کنند، در ایران جریان داشته است. دوره اول؛ از حدود سال ۱۲۴۰ ش تا ۱۳۰۰ ش طى ۶۰ سال می‌باشد که این ایده نو پا طرفدارانی با مشخصات خاص داشت.

در این دوره حدود هشت نفر پیرامون این موضوع بحث و تلاش نموده‌اند. به واسطه نبود ارتباطات در ابتدای قرن سیزدهم، اخبار اختراعات و نفوذ آنها از مسیر

راه زمینی حرکت خود را می‌پیمود. به همین دلیل شهر استامبول به عنوان واسطه بین اروپای متمدن و ایران محسوب می‌شد.

بنابراین چون صنعت چاپ بسیار زودتر در استامبول و پس از آن قفقاز پدید آمده بود، افرادی نیز که تحت تأثیر این صنعت و ترقی‌های دیگر کشورهای اروپایی قرار داشتند، به طبع در ایران نبودند و شامل ایرانیان مقیم منطقه استامبول و قفقاز می‌شدند.

در دوره اول همزمان و همراه با رواج بحث تغییر خط در ترکیه افرادی همانند: اخوندزاده، ملک‌خان، مستشارالدوله، میرزا رضای تبریزی، و چند نفر دیگر، هم صداهای مهم برای تغییر خط فارسی شدند.

در دوره دوم؛ از حدود سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ یعنی طی ۳۰ سال و همزمان رواج ماشین تحریر، صدای مهم طرفداران تغییر و اصلاح خط که اکثر متأثر از علاقمندان یا شاگردان تلاش‌گران دوره اول بودند، شروع به فعالیت کردند.

این گروه به واسطه ارتباط مستقیم ایران با اروپا، مستقل از ترکیه، تحصیل کرده‌ها یا ساکنین کشورهای اروپایی بودند که تقریباً ۳۰ تن را شامل می‌شوند. افرادی همانند:

اعتصام‌زاده، رشید یاسمی، علی شریعتی، عبدالصمد فرهنگ، نورحقیق صدرالمعالی، مصطفی فاتح، محمد علی داعی‌الامم و ...

دوره سوم؛ از حدود سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ شمسی برای ۳۰ سال و همزمان با رواج ماشین‌های حروفچینی اینتر تایپ، لاینو تایپ و مور تایپ در ایران به فعالیت پیرامون اصلاح و تغییر خط پرداخته‌اند.

این گروه که عده زیادی حدود ۸۰ نفر را به خود اختصاص داده‌اند، بحث تغییر خط را در ایران به اوج رساندند؛ تا اینکه پس از انقلاب اسلامی ایران این مباحث به رکود انجامید. برخی از این تلاشگران عبارتند از:

سعید نفیسی، رحمت مصطفوی، ارسطا، محمود دهناد، علی اصغر خان طالقانی، رضا صفی‌نیا و ...

با بررسی شرح حال شخصیت‌های این سه گروه، می‌توان فهمید که موافقان و یا طراحان تغییر خط در کل این سه دوره، دارای مشترکاتی هستند که شاید بتوان به عنوان تیپ‌شناسی آنها مطرح کرد.

ما برخی از این مشترکات را در حداقل ۸ عنوان احصا نمودیم که عبارتند از:

۱. روحانی بودن

اگر به شرح حال بیش از صد و بیست نفر از موافقان تغییر خط مراجعه نمایید، خواهید دید که اغلباً روحانی و تحصیل کرده علوم دینی بوده‌اند یا روحانی‌زاده و پرورش یافته خانواده اهل علم و آگاهی می‌باشند.

شاخصه معمول خانواده روحانیان و اهل علم این است که کودکان خود را از خردسالی به یادگیری قرآن و تحصیل علم مخصوصاً علوم دینی وادار می‌کنند بنابراین به همین مناسبت زمینه ارتباط ادب و آراء با سواد و خط و نوشتن و خواندن بسیار تنگاتنگ است.

و به طبع مشکلات پیش روی نوشتن را ملاحظه و زودتر درک نموده‌اند. و همین ارتباط می‌تواند تشویق کننده آنها برای اصلاح خط فارسی می‌باشد.

۲. زبان دوم

اکثر قریب به اتفاق مروجان اصلاح و تغییر خط فارسی کسانی بوده‌اند که غالباً به غیر از زبان عربی به یک زبان دیگر که فرانسه و در برخی موارد انگلیسی بوده است، مسلط بوده‌اند.

همان گونه که می‌دانید اکثر خطوط زبانهای زنده دنیا، متشکل از حروف تغییر یافته لاتین می‌باشد، و همه مزایای خط لاتین، که مهم‌ترین آن جدانویس بودن آن است، را دارا می‌باشند.

این آشنایی موافقان تغییر خط با خط لاتین سبب شده بود که به همین مناسبت بیشتر به فکر معایب خط فارسی باشند و جدای از آن ترقی کشورهای اروپایی نیز مزید بر علت بود که تمایل آنها بر ترویج تغییر خط مخصوصاً به لاتین را گسترش دهند.

البته جالب است بدانید که بسیاری از آنها، ترک‌زبان بوده‌اند. به علت قرارگیری منطقه جغرافیایی آذربایجان، میان استانبول و تهران، غالب روشنفکران ایران، ترک‌زبان بوده‌اند، و با حداقل به زبان ترکی تسلط داشته‌اند.

۳. مقیم : رن یا فارغ التحصیل از خارج

مروجان تغییر خط در دوره اول که کلاً در خارج از ایران به سر می‌بردند و در واقع بحث اصلاح و تغییر خط از سال ۱۳۰۴ ش به داخل ایران راه پیدا کرد. جدای از گروه اول مروجان تغییر خط در دو دوره بعدی نیز قریب به اتفاق تحصیل کرده‌های خارج از کشور بوده‌اند.

به وضوح می‌توان ادعا کرد که محصلان خارج از ایران می‌توانند چند پدیده را به همراه داشته باشند:

اول: آشنایی با پیشرفت‌های بسیار فراگیر آن دوره که به سرعت موجب ترقی کشورهای اروپایی گشته بود. و همین آشنایی موجب احساس حقارت و عقب ماندگی در محصلین می‌نمود و در آنها انگیزه‌هایی ایجاد می‌شد تا به وسیله آن بتوانند این عقب ماندگی را جبران کنند. و شروع رفع هر عقب ماندگی از آموزش و پرورش است و خط، تبلور آموزش همگانی است.

دوم: آشنایی با سیستم آموزشی و تحصیلی کشورهای پیشرفته. محصلین ایرانی که در اروپا مشغول تحصیل بوده‌اند بدون استثناء اعتراف دارند که آموزش با خط لاتین برای اروپاییان بسیار سریع و آسان محقق می‌شود. همین سادگی در یادگیری

برای کودکان و صرف وقت و هزینه کم‌تر بر آن، سبب شد تا کسانی که از خارج به کشور باز می‌گردند همگی مروج اصلاح و تغییر خط باشند.

سوم: هم‌رنگی با فرنگیان سبب می‌شود که دید محصلین ایرانی در فرنگ باز شده و تعلق خاطری که فقط به زبان و خط فارسی داشتند، محدود شود و به فراخور هر یک تعلق خاطری نیز به زبان و خط محل اقامت و تحصیل خود پیدا کنند.

همین امر می‌تواند تعصب قومیت و ملت را کاهش دهد و نگرش انسان را فرا منطقه‌ای نماید.

۴. ادیب و دانشمند و مردم

تمام کسانی که در حدودین ۱۲۰ سال و در دوره‌های سه‌گانه که ذکر شد، پیرامون تغییر یا اصلاح خط فارسی سخن رانده‌اند، از ادبای مسلم و غالباً مشهور بوده‌اند.

تسلط به زبان و ادبیات و خط فارسی، اولین گنجینه‌ای است که مصلح خط باید در خود داشته باشد تا بتواند به عنوان یک متخصص پیرامون خط صحبت نماید.

بنابراین یکی از مشترکات بسیار مهم موافقان و طرفداران تغییر خط فارسی، ادیب و دانشمند بودن آنهاست، که هر کدام به تنهایی سوابق منجز و طولانی در سیر ادبیات معاصر ایران داشته‌اند.

این شاخصه از این جهت نیز بسیار حائز اهمیت است که به آنها انجمنی سوادى و عدم تخصص نمی‌توان زد. چرا که خود آشنای فن ادب هستند و غالباً سالیان درازی مشغول آموزش و تعلیم اقشار گوناگون جامعه، اعم از کودک و نوجوان و مخصوصاً دانشگاهیان بوده‌اند. این نکته سبب می‌شود که بر پیچ و خم و دشواری‌های تعلیم و آموزش زبان و خط فارسی واقف باشند و هر چه می‌گویند می‌تواند قرین بر تجربه و بختگی آنها باشد.

۵. تحصیل در مدارس جدید

جدای از افراد گروه اول که خود از مروجان و یا مؤسسان ترویج مدارس جدید آموزشی در ایران آن دوره هستند، افراد گروه دوم و سوم اکثر از شاگردان مدارس تحصیلی جدید همانند دارالفنون بوده‌اند.

بنابراین در کنار تحصیل علوم قدیمه که همگان در ایران می‌خواندند، اینها با علوم جدید و تازه وارد به ایران نیز آشنا شدند.

این آشنایی ابتدایی با علوم جدید آنها را به عمق عقب‌ماندگی در ایران واقف نمود. و این حال همان گونه که قبلاً اشاره شد سبب ساز تهییج و تشویق آنها برای جبران این عقب‌ماندگی‌ها گشت.

به طوری که اکثر رشتجات موافقان تغییر خط، شاه بیت دلیلشان، دستیابی به علوم جدید و صرف وقت بسیار کمتر در آنها، به جای معطلی در یادگیری زیر و زبر خط فارسی است.

۶. ارتباط فکری و کاری

دوباره می‌تواند به شرح حال این افراد مراجعه مایم. اکثراً شاگرد و استاد و یا همکلاسی با هم بوده‌اند. و این ارتباط و هماهنگی در ایجاد و ترویج موضوع تغییر خط بسیار چشم‌گیر است. هیچ کس نمی‌تواند منکر این شود که «شین، رنگ ساز است چه رسد به استادی و شاگردی».

بالاخره ناخواسته یا خواسته هر شاگردی از استاد و همکلاسی خود تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر سبب هم‌رنگی آنها خواهد شد.

موافقان تغییر خط، جزایر جداگانه و دور افتاده‌ای از هم نبودند، بلکه غالباً با هم دوست و در بسیاری موارد همنشین و همکار بوده‌اند و این تلاحق‌ها موجب همبستگی و ایجاد انگیزه در پیگیری مباحث اصلاح خط بوده است.

۷. ترقی خواهی

بارزترین شاخصه موافقان تغییر خط فارسی، ترقی خواهی آنهاست. پس از شکستهای مختلف ایران در جنگهای زمان قاجار و ارتباط برخی از محصلین با کشورهای اروپایی، و ورود محدود برخی اختراعات آنها به کشور ایران، موج ترقی خواهی در سراسر ایران و مخصوصاً بین صاحبان نشریات بسیار فراوان شد. اگر مروری به مجله‌ها و روزنامه‌های آن دوران بیندازید، روزی نیست که نویسندگان آنها به موضوع ترقی خواهی نپرداخته باشند.

ترقی خواهی در گروه اول هواخواهان تغییر خط بسیار پررنگ بود به طوری که عامل اصلی عقب ماندگی ایران، با صعوبت الفبای فارسی و به طبع آن تعلیم و آموزش عمومی می‌دانستند.

ترقی خواهی موضوع بسیار جذاب و جدیدی بود که هر کسی را تحت تأثیر قرار می‌داد. و چه بسا بسیاری از افراد با توسل پیشرفت و ترقی ایران پیگیر جدی موضوع تغییر خط شدند. و تا حدودی نیز توانستند قشر متوسط جامعه را هم‌نظر خود گردانند.

ولی از آنجایی که اکثر مردم ایران توانایی خواندن را نداشتند و درگیر این جنجالها نبودند نمی‌توانستند مخاطب این جریان تجاری شوند. و این عدم همراهی باعث شد تا خواست عمومی پیرامون این موضوع شکست بخورد.

۸. نبود منفعت شخصی

آنچه مسلم است هیچ کدام از مروجان تغییر خط منافعی شخصی از اجرای این طرح نداشتند. و این مهم در تمامی افراد در سه دوره مختلف مشترک می‌باشد. اگر

۱. برای روشن شدن موضوع می‌توانید به مکاتبات و مقالات موافقان اصلاح و تغییر خط مخصوصاً گروه اول و دوم مراجعه فرمایید.

چه به دلایلی تغییر خط را صحیح ندانیم، اما نمی‌توانیم مدافعان و طراحان آن را به منفعت طلبی متهم کنیم. اکثر مدافعان تغییر خط از جهت منابع مالی و نیز مقامات اجتماعی در حالتی به سر می‌بردند، که ترویج تفکر تغییر خط اگر برای آنها هزینه‌های مالی و سیاسی داشت، اما به عکس سود مستقیم و شخصی از آن نمی‌بردند.

حتی برخی از این افراد جدای از وقت و صرف عمری که در این راه نمودند، هزینه‌ها و مسافرتها و مرارتهای شخصی نیز در این راه کشیدند، که خود حاکی از عدم انتفاع شخصی آنهاست.

این هشت اشتراک حداقلی اشتراکات مدافعان تغییر خط فارسی در ۱۲۰ سال قبل از انقلاب اسلامی است. که البته تمام این اشتراکات در دوره‌های سه‌گانه مساوی نبودند و به نظر می‌رسد که از دوره اول تا دوره سوم کم‌کم کم‌رنگ شده‌اند.

به طوری که حتی می‌توان گفت اشتراکات ۱ و ۳ و ۶ و ۷ در دوره اول بسیار پررنگ بود و به مرور تا دوره سوم کم‌رنگ شد ولی اشتراکات ۲ و ۴ و ۵ و ۸ غالباً در تمامی افراد دوره‌های سه‌گانه خط فارسی فراگیرتر می‌باشد.

بنابر آنچه گفته شد، این تغییر خط در دور از واقعیت نیست که این افراد از سر خیرخواهی و شرایط خاص زمانی و فراهم شدن زمینه‌های تکنولوژی، علاقمند بودند تا سهمی در تسریع آموزش و تعلیم و تکلیفی داشته باشند، هر چند که به دلایلی مشخص نتوانستند در زمان خود به موفقیت دست پیدا کنند.

اما همین اقدامات متجورانه سبب شد، خط فارسی را مسیر حرکت خود، تا حدودی اصلاح شود و مورد توجه واقع گردد و اکنون، این پویایی حداقلی را نمی‌توان از زحمات و تلاشهای موافقان اصلاح خط فارسی در دوره‌های معاصر ندانست.